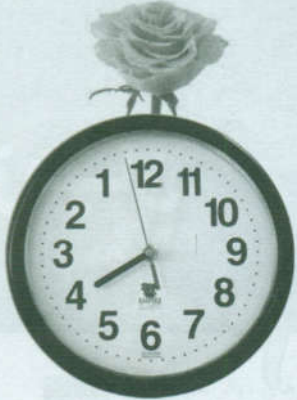


شکوفای کردن لحظه‌ها

عبدالله نیازی



هر روز ۲۴ ساعت، هر ساعت ۶۰ دقیقه و هر دقیقه ۶۰ ثانیه؛ فقیر و ثروتمند و عامی و عالم، و هر که و هر کس در هر کجای عالم، سهمی مساوی از تقسیم لحظه‌ها دارد. عدالت به دقیق‌ترین شکل، خودش را در تن لحظه‌ها جاری کرده است. یک ساعت عالم، بی‌کم و کاست حتی بی‌ترجیح ثانیه‌ای، با یک ساعت جاهل برابر است؛ ۶۰ دقیقه تمام، اما یکی از بهره این لحظه‌ها جهانی را می‌سازد و دیگری بی‌خیال و سرخوش ساعت‌های بسیار را با سخاوت تمام به بطالت می‌بخشد!

یکی از تفاوت‌های انسان‌های موفق و خلاق با دیگر مردمان، در بهره‌مندی از همین لحظه‌ها و شکوفای کردن آنهاست. شاید این مثال برای تبیین این سخن مناسب باشد: اگر مقدار مشخصی آهن را به دست آهنگری بیاورند، شاید از آن تبری تیز بسازد. صنعت‌گر، شاید که میخ یا ابزار ساده، و هنرمند، وسیله یا ظرفی گران‌قیمت و پربها، اما نادان بی‌دانستن قدر آن، رهایش می‌کند تا در بی‌مصرفی بپوسد.

بی‌شک، هر کدام اینان سهمی مساوی از آهن داشتند ولی تفاوتشان در قیمتی بود که با هنر خویش به داشته‌های خود دادند. بهره‌مندی شایسته از زمان از رازهای خلاقیت و از لوازم نوآوری است و این پیام سخن معصوم است که فرمود: «هیچ روزی نیست که بر بنی آدم بیاید و بگذرد مگر آن که آن روز به او می‌گوید ای پسر آدم من روزی تو هستم و شاهد بر تو، در من کار خیری انجام بده که روز قیامت برای تو گواهی می‌دهم و هرگز بعد از این مرا نخواهی دید.»

موجودات کوچک

اما پیچیده



(زنک هشتم)

■ جواد محمد زمانی

موجود خلق شده‌اند و از دنیا رفته‌اند و هزاران هزار موجود خلق خواهند شد آن هم بسیار دقیق و ظریف! اگر سلخته‌گی می‌بینی، اگر گاه بی‌نظمی می‌بینی، محصول تلاش نکردن و اشتباهات ماست، وگرنه جهان با نظم بسیار پیچیده و دقیقی در حال حرکت است و آن به آن نو می‌شود!

علم هر روز ابعاد پنهان‌تری از خلقت موجودات را درمی‌یابد و با آن آشنا می‌شود، اما افسوس که انسان به‌جای این که سر تسلیم و خضوع در برابر پروردگار فرود آرد، نافرمانی می‌کند و آن وجود عظیم را انکار می‌نماید! و چه قصه غم‌انگیزی است که به موازات پیشرفت علم، غفلت بیش‌تر می‌شود و جنایت افزون می‌گردد. باور نمی‌کنی؟! به جهان دور و برت نگاه کن!

و حالا من و تو در کشوری که می‌خواهد راه نهج‌البلاغه را پیش گیرد و فرهنگ علوی را در جهان زنده کند زندگی می‌کنیم و باید بکوشیم نخست خودمان و سپس دیگر مردمان جهان را از خواب غفلت بیدار کنیم. برخیز!

بی‌نوشت‌ها

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۷
۲. همان ۳. همان ۴. همان

چه موشکافانه می‌کوشد تا اسراف نکند و دانه‌ها را هدر نهد! سپس به خلقت شگفت این حیوان کوچک اما پیچیده می‌پردازد و می‌فرماید: «و اگر تفکر کنی و مطالعه‌ای در مجاری غذای این حیوان کوچک که چگونه غذا می‌خورد و غذا را فرو می‌برد و آنها را هضم می‌کند و دفع می‌نماید، اگر شکمش را در نظر بگیری و این که چگونه ضلع‌ها و دنده‌ها برای آن جثه صغیر ساخته شده، و اگر دستگاه دید و شنیدش که در سرش قرار دارد، اگر در همه این‌ها دقیق شوی و کاملاً آگاه گردی که چگونه است، حیرت دوچندان می‌شود.»^۳

سپس از سخنان پیشین خود چنین نتیجه می‌گیرد: «اگر در راه‌های فکر و اندیشه سیر کنی تا به نتیجه برسی، جز این دستگیرت نخواهد شد که خالق مورچه کوچک و خالق درخت تناور خرما یک قدرت است؛ همان نظام دقیقی که در این به کار رفته است. در مقابل قدرت خلاقیت او کوچک و بزرگ، سبک و سنگین، قوی و ضعیف برابرنند.»^۴

برادر من! گمان نکن که من و تو اولین و آخرین خلقت خداییم! هزاران هزار

باور کن که مشکل اساسی من و تو این است که دقت نمی‌کنیم! اگر کمی - فقط کمی - دقت کنیم، روزگاران متفاوت خواهد بود. نهج‌البلاغه مولا بسیار ما را به دقت و تأمل در طبیعت دعوت می‌کند. از آن مولا فرموده است: «در ۲۲۷ که در آن مولا فرموده است: «در کار مورچه دقیق شوید، ببینید این حیوان کوچک چه گونه در روی زمین تکاپو می‌کند و به دنبال روزی خود می‌رود. عشق و الهامی او را هدایت می‌نماید که با نقشه و حساب، روزی خود را تهیه و نگهداری می‌کند.»^۱

دانشمندان بر این باورند که برخی از مورچه‌ها برای تهیه غذای خود به پیدا کردن دانه‌ها قناعت نمی‌کنند، بلکه مزرعه‌هایی ترتیب می‌دهند و قارچ در آن می‌کارند و به مصرف غذایی خود می‌رسانند. شگفت‌تر اینکه برخی از مورچه‌ها، بعضی از حشرات را اهلی می‌کنند و از شیرۀ شیرین آنها استفاده می‌نمایند!

مولا در ادامه می‌فرماید: «دانه را به لانه خود می‌برد و آن را در جای مناسبی که فاسد نشود جا می‌دهد، جایی که رطوبت، آن را فاسد نکند، و حتی آن را می‌شکافد که سبز نشود و نروید»^۲، و